این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

پرخاش، برکات را از منزل می‌برد

حضرت آیت‌الله فاطمی‌نیا(ره):

مشاجره‌ها و نزاع‌ها نور باطن را خاموش می‌کند. بسیاری از بی‌حالی‌ها و عدم نشاط‌ها به جهت مشاجرات و درگیری‌های لفظی است. کم منزلی داریم که در آن پرخاش و تندی نباشد! روزی چندتا پرخاش باشد، برکات را از منزل می‌برد. حتی اگر حق هم با تو بود، در امور جزیی و شخصی مشاجره نکن چون کدورت می‌آورد. مرحوم علامه جعفری از صاحب دلی نقل کرد: در موضوعی که گمان می‌کردم حق با من است داشتم با همسرم مشاجره می‌کردم؛ ناگهان صورت باطنی غضبم را نشانم دادند! بسیار کریه و زشت بود! آن صورت نزدیکم آمد و گفت: ای کثیف! ساکت شو! همین که متنبه شدم فوراً دست همسرم را بوسیدم و عذرخواهی کردم!

منبع: کانال تلگرامی «بزم قدسیان»

گرامیداشت سالروز حکیم ابوالقاسم فردوسی در شبکه‌های اجتماعی

نمیرم از این پس که من زنده‌ام

با فرارسیدن ۲۵ اردیبهشت‌ماه سالروز گرامیداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، کاربران شبکه‌های اجتماعی در توئیت‌هایی از بزرگی کار فردوسی و زحمات او نوشتند. کاربران همچنین ابیات بسیاری از فردوسی را به اشتراک گذاشتند و بزرگی شاهنامه و حکمت‌های نهان در آن نوشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران مرور شده است.

■ **یوسف نوری، وزیر آموزش و پرورش:** دیروز در مدرسه زنگ پاسداشت زبان فارسی را نواختم. زبان و ادبیات عامل هویت ملی هر کشوری است و حکیم فردوسی بخش مهمی از هویت ایرانیان را زنده کرد. تلاش می‌کنیم حافظ‌خوانی، سعدی‌خوانی و شاهنامه‌خوانی در مدارس نهادینه شود.

■ **عبدالکریم عابدینی، امام جمعه قزوین:** فرهنگ ارزشمند و پر محتوای فارسی می‌تواند فرهنگ ایمانی و دینی ما را بر بال‌های شعر و عرفان و لطافت معنایی خود بنشاند و به اقصی نقاط عالم صادر کند، حکیم ابوالقاسم فردوسی در این زمینه بسیار خدمت کرده و ما قدردان خدمات این احیاگر زبان فارسی هستیم.

■ **سیدعلی موسوی:** شاید کمتر کسی فکرش را بکند که معروف‌ترین بیت‌های منسوب به فردوسی سروده او نباشد. جلال‌الدین کزازی، شهاب اسفندیاری، ابوالفضل خطیبی درباره بیت‌های «بسی رنج بردم در این سال سی/ عجم زنده کردم بدین پارسی» و «چون ایران نباشد تن من مباد...» اتفاق نظر دارند که این بیت‌ها سروده فردوسی نیست.

■ **محمدصادق عابدینی:** فردوسی اولین شاعر مهم ایرانی است که مذهب خود را علنی کرد و در دوره مهجوریت تشیع و شیعه‌کشی، نشان داد شجاعتی که در شاهنامه از آن یاد می‌کند، تنها یک شعار نیست: بر این زادم و هم بر این بگذرم/چنان دان که خاک پی حیدرم/ هر آنکس که در جانش بغض علی است/از او زارتر در جهان زار کی است.

■ **حامد میرزاحسینی:** شکوه کار فردوسی در آن بود در دورانی که ساسانیان منقرض شده بودند، خاندان‌های ایرانی سرکوب شده و کشور ما محل تاخت و تاز ایرانیان بود و هیچ چشم‌اندازی برای یکپارچگی دوباره ایران وجود نداشت، شناسنامه‌ای دقیق از هویت ما ایرانیان نگاشت تا در پیچ و خم‌های شدید تاریخ گم نشویم.

■ **سعیده پراش:** نمیرم از آن پس که من زنده ام/ که تخم سخن را پراکنده‌ام. فردوسی بزرگ یک تن نیست او نماد خرد ملی و نماد ایرانشهر است، زیرا می‌دانسته ستون استوار فرهنگ، زبان است و این دو، شالوده هویت فرهنگی و هویت فرهنگی رمز جاودانگی ایران.

■ **یلدا راد:** دکتر آرش اکبری مفاخر، شاهنامه‌پژوه: «وزن شاهنامه فردوسی که به بحر متقارب مشهور است و نامی عربی دارد، وزنی کاملاً ایرانی است و تکامل یافته وزن حماسی در ایران باستان و شعر هجایی ایرانی پیش از دوران اسلامی است.»

■ **جواد رنجبر:** شاهنامه فردوسی قله سنت شاهنامه نگاری ایرانی است. ۵۰ هزار بیت محکم در بافت معنایی منسجم بزرگ‌ترین شاهکار ادبی جهان را ساخته است. حکمت شاهنامه از زمان فرا رفته و جاویدان شده است. تا ایران هست، انسان هست و جهان بر این مدار می‌گردد نامه شاهان ایران درخشان‌ترین اثر ادبی است.

■ **سعید صمدزاده:** چون فردوسی وفات کرد، شیخ ابوالقاسم کرگانی بر او نماز نکرد که او مداح کفار است. خواب دید فردوسی در بهشت است. شیخ گفت: چرا خدا تو را در جنت ساکن کرد؟ فردوسی گفت: دو چیز، یکی آنکه تو بر من نماز نکردی و دیگر آنکه این بیت در توحید گفتم: جهان را بلندی و پستی تویی/ ندانم چه ای، هرچه هستی تویی.

هموطن! این بار قطع کننده زنجیره باش!

محمد رستم‌پور نوشت؛ چگونه می‌توان به دولت در اجرای برنامه‌های اقتصادی کمک کرد؟ «ویدئوی یورش، غارت یا حمله مردم قزوین به فروشگاه»، «تصویر کارت یارانه نان»، «خبر ۹۰هزار تومانی‌شدن مرغ» و... که در هفته اخیر دست به دست در رسانه‌ها و پیام‌رسان‌ها چرخیده و هر بار به طریقی تکذیب شده، نشان می‌دهد با همه تبیین‌ها و توضیح‌ها و هر اندازه اطلاع‌رسانی‌ها و پاسخگویی‌ها قوی و جامع باشد (که نیست و ایراداتی دارد)؛ رسانه همچنان رسانا نیست و پیام به درستی به مخاطب نمی‌رسد. علاوه بر آنکه نباید از یاد برد رسانه فقط رسانه نیست و محصول محیط سیاسی و وضع اقتصادی است. همچنانکه از پدیده‌ای مانند «انتظارات تورمی» سخن می‌گوییم و «اثر روانی» بازار را در تغییر قیمت‌ها مؤثر می‌دانیم و کنش رسانه را بر اقتصاد را هم در نمودار می‌آوریم، از منظر اقتصاد و تجارت نیز به رسانه بنگریم. واقعیت بازار را تنها آمار و عدد و نمودار نمی‌سازد، جیب مشتری و تجربه خریدار نیز می‌سازد.

با این همه، تجربه تجمعات و رخداد نارضایتی‌های پنج سال اخیر نشان می‌دهد رسانه‌ها به ویژه پیام‌رسان‌های موبایلی و شبکه‌های اجتماعی در وخیم شدن شرایط روانی و حتی نابسامان شدن وضعیت اقتصادی اثر مستقیم دارد. اینجاست که باید مراقبت کرد به جای ارتقای فهم عمومی و آموزش شهروندی، مطالبه محدودیت شبکه و سیاست گران‌سازی اینترنت پررنگ نشود. فاصله میان این دو را باید جامعه مدنی آگاه و دلسوز و مراجع اجتماعی پر کنند. از جمله در عالم رسانه، به معلمان، مشاوران و فعالانی نیاز داریم که شهروندان جامعه را توانمند کنند تا از آسیب‌پذیری آنان بکاهند. «سواد رسانه‌ای» به‌رغم استفاده ناآگاهانه و بی‌جایی که در سال‌های اخیر از آن شده، همچنان ضرورتی خطیر است. فقر این سواد و ضعف این

آگاهی در برهه‌هایی مثل روزهای اخیر که یک جراحی اقتصادی در جریان است، بهتر و بیشتر خود را نشان می‌دهد.

از این روست که شاید چهار مهارت عمومی سواد رسانه‌ای زیر به کار آید:

۱) به منبع توجه کنیم:

آیا مطلب یا ویدئو، رفرنس یا منبعی دارد؟ آیا رفرنس یا منبع در آن زمینه معتبر است؟ عمده پیام‌ها یا ویدئوهای فیک و دروغ، منبع ندارند و حاصل تقطیع یا دستکاری‌اند. اهمیت نفوذ در رسانه‌های رسمی و هک وب‌سایت‌ها و خبرگزاری‌ها نیز از همین روست که اصالت منبع اهمیت دارد.

۲) به ناشر توجه کنیم:

اخبار جعلی یا پیام‌ها و ویدئوهای دروغین را کسانی منتشر می‌کنند که توجهی به اثر کار خود ندارند. برخی‌ها عادت دارند فقط و فقط سیاه‌نمایی و تخریب کنند. از نظر روانی، همنشینی و معاشرت با افراد منفی‌باف و افسرده، پیامدهای تخریبی پرشماری دارند. صرف نظر از این پیامدها، غفلت از روی ناراحتی سبب می‌شود دروغ مثل بومرنگ بازگردد و ذهن و روان خود فرد را نیز به بازی بگیرد.

۳) در سایر رسانه‌ها جست‌وجو کنیم:

جست‌وجوی ساده عنوان پیام یا ویدئو در موتورهای جست‌وجو یا دیگر خبرگزاری‌ها و وب‌سایت‌ها کمک می‌کند درستی یا نادرستی آن محک بخورد. این معیار اگرچه یک معیار حداقلی است، اما می‌توان گفت در بیشتر اوقات، فرد را به یک سپر دفاعی قدرتمند مجهز می‌کند. برای نمونه، خود من در مقابل خبر نادرست کشته شدن عده‌ای در یکی از استان‌های جنوبی در تظاهرات اعتراض به گرانی استفاده کردم. هیچ منبعی حتی رسانه‌های ضدانقلاب که عادت دارند از کاه کوه بسازند، هم اشاره‌ای به این خبر نداشتند.

۴) به رنگ، لباس، هوا و جزئیات پیام، ویدئو یا صوت دقت کنیم:

در دورانی که رفته‌رفته دستکاری در افکار عمومی به یک صنعت تبدیل می‌شود، تجزیه و تحلیل عناصر یک محصول یا تولید رسانه‌ای، می‌تواند مانعی هر چند کوچک جلوی تسلط فریب بر حقیقت باشد. برای این منظور، یک تجزیه و تحلیل ابتدایی، مثل همین کاری که در ویدئوی موسوم به یک فروشگاه در قزوین صورت گرفت و از روی لباس گرم حاضران، دروغین بودن ادعای ویدئو معلوم شد.

کمک کردن به دولت تنها صبر بر این شرایط سخت نیست. این بار باید زنجیره انتشار و توزیع پیام دروغ را قطع کرد. حتی پیام‌هایی که برای دفعات پرشمار فوروارد شده یا بازدیدهای میلیونی گرفته، ممکن است دروغین باشد. مانند ویدئوی خوشگذرانی ادعایی یک سردار سپاه. اگرچه واکنش رسمی، سریع و البته همراه با سعه صدر و نرمی خلق به این دروغ‌ها و فریب‌ها نیز نباید از یاد برود. چیزی که متأسفانه در نظر برخی با استدلال «بیشتر به دیده شدنش کمک میکنه» و «ارزشش رو نداره» همراه می‌شود و این همراهی به گسترش اخبار دروغی که در ابتدا مسخره و مضحک به نظر می‌آیند، می‌انجامد.

بمباران برای دفاع از حقوق مردم!

احسان منصوری در توئیتری با انتشار تصویر فوق نوشت: ۱۶ ماه است دارند از مردم ایران حمایت می‌کنند. فروش نفت و معاملات غذا- دارو را زیر ضربه بردند تا ایرانیان گرسنه بمانند. صنایع را هدف قرار دادند تا مردم شغل و درآمدشان را از دست بدهند. اگر زورشان برسد بمباران‌مان هم می‌کنند تا بیشتر از حقوق‌مان دفاع کرده باشند.

پیشنهادی برای مقابله با آسیب‌های فضای مجازی

محسن پورعرب در توئیتی نوشت: بخواییم نخواییم فضای مجازی پر از آسیب پنهان، آسیب‌هایی که هرچقدر دربارش بگیم و بگن و هشدار داده بشه، اما حذف شدنی نیستن. این آسیب‌ها وقتی به سراغمون میان که کارمون با فجازی تموم شده و داریم وقت اضافه رو صرف این فضا می‌کنیم. پیشنهاد می‌کنم مطالعه رو جایگزین فجازی در وقت اضافه کنیم.

جست‌وجو در دنیای واقعی با لنز گوگل

«هفته‌نامه فجازیست» نوشت: گوگل از قابلیت جدیدی برای گوگل لنز رونمایی کرده که می‌تونه در دنیای واقعی برای کاربر جست‌وجو انجام بده! این قابلیت Scene exploration نام داره و برخلاف الان که گوگل لنز فقط می‌تونه یک شیء خاص رو بررسی کنه و تشخیص بده، با کمک این قابلیت جدید گوگل لنز می‌تونه به صورت آنلاین تمام اشیای موجود در کادر رو بررسی و تشخیص بده.

خشم تخلیه کردنی نیست

کانال تلگرامی «عجایب» نوشت: «تخلیه» خشم به‌طور گول‌زننده‌ای، آدم رو تحریک می‌کنه که گاهی صداشو ببره بالا یا اخم کنه به این امید که از خشم، خالی بشه، در حالی که معمولاً در مورد احساسات شدتی، چیزی به نام «تخلیه» وجود نداره. «مکش» خشم وجود داره. به این صورت که آدم هرچی بیشتر خشمش رو خالی کنه، خلأ بیشتری درونش ایجاد می‌شه و سرعت پرشدن دوباره ظرفش، بیشتر می‌شه و کم کم عادت می‌کنه به تندتند لبریز شدن.

خروج رنو از فرانسه

کانال تلگرامی «توئیت پرس» نوشت: خروج خودروسازی رنو فرانسه از روسیه و فروش ۲/۲۹ میلیارد دلاری دارایی‌های خود به شهرداری مسکو. قرار است خودروی مسکوویچ تولید شود. این نام مربوط به اتومبیل زمان شوروی بود که تولیدش ۲۰۰۲ متوقف شد.

تصویر منتخب

آخرین تصویر از پیکر عالم ربانی آیت‌الله فاطمی‌نیا بر روی تخت بیمارستان

روح لطیف دین

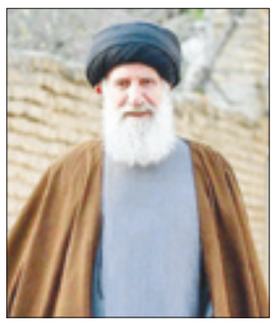

محمد سرشار در کانال تلگرامی خود نوشت: وقتی می‌خواهم درباره «درگذشت» آیت‌الله فاطمی‌نیا بنویسم دمی چشمم تر می‌شود و دمی لبم به خنده می‌شکفد... درگذشت؟!... نه... باور نمی‌کنم! چقدر از او خاطره داریم. چقدر شب‌های قدر دستمان را گرفت تا بالاتر بیاییم. چقدر ما را به کوچه پس کوچه‌های تاریخ برد و از این کتاب به آن کتاب گرداند تا لطافت دین‌داری را بهمان بچشاند. چقدر برای تربیت ما زحمت کشید. به چهره رنج‌کشیده روی تخت بیمارستان نگاه می‌کنم. عشق اشک را بر چشم می‌آورد و عقل لبخند را بر لب می‌نشاند. اصلاً خودش یادمان داده که مردان خدا نمی‌میرند، بلکه دستشان بازتر می‌شود. چه بسا حالا آن بالا، بالاتر از افق دید خاکی ما، ایستاده و با آن لهجه آذری شیرینش، «آقا جان» می‌گوید و خم به ابرو می‌اندازد و نصیحت‌مان می‌کند که «لطیف» باشیم. انگشت‌های شست و اشاره‌اش را به هم می‌فشارد و نگاه ژرف‌بینش را به ته دلمان می‌اندازد و با اینکه اهل سوگند نیست اما به حضرت زهرا(س) قسم می‌خورد که «تا لطیف نشوید چیزی گیرتان نمی‌آید.»

از من باید با این عکس بگیری

حامد محسنی در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: توی یه مدرسه استودیو فیلمبرداری درست کرده بودند برای ضبط سخنرانی تلویزیونی ازش. همراهش شدم و باهاش رفتم. دوربینم رو هم بردم که تو اون استودیو وسط صحبتش از چهره فوتوژنیک زیباش عکس پرتره بگیرم برای خودم. نورپردازی عالی بود. عکاسیم رو انجام دادم. اومدنی بیرون مکث کرد جلوی این نقاشی روی دیوار. گفت: اون عکس‌ها رو ولش کن. از من باید با این عکس بگیری نه اونجا... تعلل کردم شاید بیخیال شه. وایستاد جلوی نقاشی، نگاهم کرد، لبخند زد، گفت بگیر... توضیح و شرح اضافی بیجاست. در روزگاری که همه به دنبال کسب آبرو از راه چیزهایی هستیم که در ما ذره‌ای وجود نداره هرچی حال بزرگان رو دیدم و خوندم کمتر کرامتی بالاتر از این دیدم... به امید دیدارت مهربانم... راحت بخواب ای شهر، آن دیوانه مرده است در پیله ابریشمش پروانه مرده است. یک عمر، زیر پا، لگد کردند او را اکنون که می‌گیرند روی شانه مُرده است. دیگر نخواهد شد کسی مهمان آتش آن شمع را خاموش کن، پروانه مرده است. و یبَقی وَجهُ رَبّک... والحمدلله...

نسخه‌شناس
کتابخوان زبردست و کتابشناس ماهر

سهیل یاری در کانال تلگرامی خود نوشت: انالله وانااليه راجعون. خبر درگذشت استاد فاطمی‌نیا خیلی متأسفم کرد. از سال ۸۶ که با ایشان آشنا شدم، پیوسته سخنرانی‌هایشان را می‌یافتم و گوش می‌دادم. بارها گفته‌ام و بار دیگر هم می‌گویم یکی از کسانی که بر دانش و اخلاقم فراوان تأثیر گذاشته، استاد فاطمی‌نیاست. سخت مدیون او هستم. برخی سخنرانی‌هایشان را بیش از ۱۰۰ بار می‌نیوشیدم و هر بار، تأثیر تازه‌ای داشت. گزیده‌هایی از سخنرانی‌هایشان را در کانال تلگرامی و صفحه اینستاگرامی‌ام منتشر می‌کردم. عالم بود و باصفا و اهل دل و محبوب. شماری از بزرگان را دیده و با آنان دم خور و عطر خوش این مصاحبت‌ها، در کلام نافذشان، نمایان بود. خوش‌محضر بود و منبری باطراوت داشت. منتقدانه سخن می‌گفت و بلندنظر بود. فیلسوف یا عارف و صوفی را تکفیر نمی‌کرد. قرائت معتدلی از اسلام ارائه می‌کرد. نسخه‌شناس، کتابخوان زبردست و کتابشناس ماهری بود. به زبان و ادبیات عربی مسلط و تاریخ اسلام را خوب خوانده بود. سلام خدا بر ایشان. ان‌شاءالله با اجداد طاهرینشان همنشین باد. الفاتحه.

تواضع و علم را درهم آمیخته بود

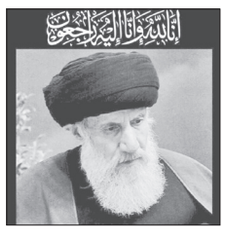

علی دارابی در کانال تلگرامی خود نوشت: آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا [۱۴۰۱-۱۳۲۵] واعظ شهیر و استاد اخلاق درگذشت. ایشان در عرصه حکمت، اخلاق، عرفان، تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه صاحب نظر و از استادان به نام در عرصه «نسخ شناسی آثار مکتوب و تاریخی» بود. تواضع و علم را در هم آمیخته بود و مخاطبان خود را همواره به «رعایت حقوق مردم»، «اجتناب از آبرو بردن دیگران» و «احترام به والدین» دعوت می‌کرد. او به نقل از امیرالمؤمنین علی(ع) می‌گفت: علی (ع) به حارث همدانی فرمودند: «هرچه را شنیدی (بدون بررسی) برای مردم بازگو مکن که همین برای دروغگویی تو کافی است!» استاد فاطمی‌نیا به روحانیون و مبلغان این سفارش را می‌کرد که «اسلام و قرآن» را زیبا همانگونه که هست به مردم معرفی کنند و از «ظاهرگرایی، شعارگرایی و سطحی گرایی به دین» همگان را پرهیز می‌داد. خدایش بیامرزد. در دفتر مرکزی جهاد سازندگی در خیابان طالقانی در سال‌های دهه ۶۰ هر هفته سخنرانی داشت، جوانان جهادگر و سنگرسازان بی‌سنگر با عشق و علاقه پای منبر این معلم اخلاق می‌نشستند و نسل ما بهره‌مند بود از این روحانیون عالم و عامل.

بعداً که در صداوسیما مسئولیت داشتم به خصوص در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ که معاون سیمای سازمان صدا و سیما بودم، جانمایی سخنرانی استاد فاطمی‌نیا در جدول پخش برنامه‌ها (کنداکتور) از دغدغه‌های مهم من بود. سخنرانی و مواعظ ایشان مخاطبان زیادی داشت و بر دل می‌نشست. خدایش بیامرزد و با اجداد طاهرنشین محشور فرماید.

استاد فاطمی‌نیا قبل از وفات، نزدیکانش را تسلی داد

امیرحسین کسائیی، خبرنگار، در صفحه اینستاگرام خود نوشت: قطعاً دوری و فقدان هر عزیزی برای خانواده و نزدیکانش سخت و تلخ است. حال تصور کنید عزیز از دست رفته شخصیتی بزرگی مانند استاد فاطمی‌نیا باشد که وجودش همه نور و صفا بود و لحظه‌لحظه همراهی با ایشان لذتبخش بود. در چندماهه اخیر به واسطه کار خبری و البته ارادت ویژه‌ام به حضرت استاد با اعضای خانواده و نزدیکان ایشان ارتباط داشتم و بارها که برای اطلاع از وضعیت ایشان و پیگیری اخبار و شایعات منتشر شده تماس با فرزند ایشان و داماد بزرگوارشان و آقای ملکی عزیز و دوست داشتنی ارتباط می‌گرفتم، جدای از حرف‌های معمول از کلام و معنویات این بزرگواران که اندوخته‌ای از محضر استاد داشتم، استفاده می‌بردم. همیشه در مصاحبه‌ها و پایانش فرزند استاد می‌گفتند، ذکر کنید مردم برای همه بیماران و پدرم دعا کنند. این مشی و روش پدرم است و از او این گونه یاد گرفتم، مبادا تنها ذکر کنید که مردم پدر را دعا کنند. این اواخر که حال استاد وخامت پیدا کرده بود، گاهی که فرصت دست می‌داد و دقایقی همکلام می‌شدیم از یکی از بزرگواران نقل جالبی شنیدم: ایشان می‌گفتند همواره به این فکر می‌کردم اگر استاد نباشد بر من چه خواهد گذاشت، می‌توانم تحمل کنم یا من هم بد استاد خواهم رفت!

در همین افکار روز و شب می‌گذراندم و در آن ایام که استاد هنوز به واسطه مشکل تنفس داروی بیهوشی نمی‌گرفت، محضرشان شرفیاب شدم. ایشان بیدار شدند با همان زبان آذری حال و احوال کردیم که یکباره به من گفتند فلانی خدا بعد از من به شما صبر دهد، داغ واقعاً سخت است. آیت‌الله فاطمی‌نیا متولد سال ۱۳۲۵ بود که به دیدار اربابش شتافت. یک مرتبه توفیق داشتم محضر ایشان در ایام محرم برسم و بخواهم توصیه‌ای کنند و فرمودند این پارچه‌های سیاه محرم که نصب می‌کنند هم نور دارد و شفا می‌دهد از اینها غافل نشو. خودم خوب فهمیدم ماجرا این توصیه چه بود. بعدها این بیانشان را روی منبر هم چند مرتبه دیگر شنیدم. استاد سلام ما را به ارباب برسان.